

**Escape of cotters;
A means to gain points from the powerful in Qajar age
(pre-constitutional era)**

Mehdi Mirkiaei*

Abstract

The unbridled exploitation of the subjects by the ruling elites in the Qajar period and the passive acceptance of these exploitations by the masses give a false and misleading picture of the political life of the lower classes at that time. The subjects are sometimes effective tools for bargaining. Fleeing the village and abandoning farms was one of these effective weapons, especially the rural masses and tribes. The question is what factors influenced the escape of the subjects in the Qajar era? Using the "threat of scape", the subjects negotiated with which dominant elite and on what issues, and how did the rulers react to these threats? Our assumption is that the escapes were affected by the shortage of labor in the country, the ease of migration of the subjects, as well as the conflict of interests of the owners and rulers of the regions of origin and destination of the escapes. The subjects also threatened to flee, trying to force the government to accept a wide range of their demands. Provincial rulers' attempts to collect taxes on fugitives from the remaining residents were usually unsuccessful, and some of them tried to persuade the government to adjust taxes by taking the threat of the subjects seriously. The research method is

* Assistant Professor, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Literature, Department of History, mehdimirkiaei@atu.ac.ir

Date received: 15/06/2021, Date of acceptance: 5/09/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

descriptive-explanatory using documents of the same period, especially petitions sent to the Research Council of Oppression in the Nasserī era. Previously

Keywords: “Qajar era” , ”escape of cotters”, “petition” , “research council of oppression”

فرار رعایا؛ ابزار چانه‌زنی با قدرت در عصر قاجاریه (دوره پیشامشروطه)

مهدی میرکیایی*

چکیده

استثمار مطلق رعایا توسط نخبگان حاکم در عصر قاجاریه و پذیرش منفعلانه این بهره‌کشی‌ها از سوی توده‌ها، تصویری نادرست و گمراه‌کننده از حیات سیاسی فرودستان در آن دوران به دست می‌دهد. رعایا در برخی مواقع ابزارهایی کارا برای چانه‌زنی با قدرت در اختیار داشتند که بهره‌کشی گروه‌های مسلط را تعدیل می‌کرد. فرار از روستا و وانهادن مزارع یکی از این سلاح‌های موثر بود که به ویژه توده‌های روستایی و ایلات به یاری آن استثمار مطلق گروه‌های حاکم را ناکام می‌گذاشتند. پرسش اینجاست که فرار رعایا در عصر قاجاریه از چه عواملی متأثر بود؟ رعایا با استفاده از «تهدید به فرار» با کدام دسته از نخبگان مسلط و در چه موضوعاتی چانه‌زنی می‌کردند و واکنش حکام به این تهدیدها چگونه بود؟ فرض ما این است که فرارها از کمبود نیروی کار در کشور، سهولت مهاجرت رعیت و نیز تعارض منافع ملاکان و حکام مناطق مبدأ و مقصد فرارها تأثیر می‌پذیرفت. همچنین رعایا با تهدید به فرار تلاش می‌کردند حکومت را به پذیرش طیف متنوعی از مطالبات‌شان که تقریباً تمام قلمروهای روابط حکومت و مردم را در بر می‌گرفت وادارند. در این میان گروه‌های متعددی از فرادستان از اربابان و ملاکان گرفته تا حکام ولایات و شخص شاه با تهدید به فرار به چالش کشیده می‌شدند. تلاش حاکمان ولایات برای

* استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات، گروه تاریخ، mehdimirkiaei@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

دریافت مالیات فراریان از ساکنان باقی مانده معمولاً با موفقیت همراه نبود و برخی از ایشان با جدی گرفتن تهدید رعایا سعی می کردند حکومت را به تعدیل مالیات ها مجاب کنند. روش پژوهش توصیفی-تبیینی با استفاده از اسناد درجه اول به ویژه عرایض ارسال شده به مجلس تحقیق مظالم در عصر ناصری است.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، فرار رعایا، مجلس تحقیق مظالم، عریضه.

۱. مقدمه

روابط حکومت و توده های مردم در تاریخ ایران معمولاً گرفتار کلان روایت هایی هم چون قدرت مطلق حکومت مرکزی، استبداد حکام ولایات و بهره کشی بی حد و مانع رعایا توسط نخبگان حاکم بوده است؛ گویی توده ها در برابر اراده گروه های مسلط فاقد هرگونه ابزار دفاعی بوده اند.

اما مطالعه جزئیات بیشتر از زندگی رعایا و به ویژه اسنادی همچون عرایض شان به شاه، از برخی ابزارهای مقاومت توده که با بهره گیری از آن استثمار نخبگان مسلطاً تعدیل می کردند پرده برمی دارد. در این میان، فرار از روستاها و وانهادن زمین های کشاورزی که از درآمدهای مالیاتی حکومت می کاست، در مواجهه رعایا با سلطه از بسامد بالایی برخوردار است که هم در گزارش های ناظران حوادث بازتاب یافته است و هم در عریضه هایی که عامه مردم به شاه می نوشته اند.

وابستگی شدید حکومت به مالیات ارضی از یک سو و کمبود نیروی کار از سوی دیگر و نیز سهولت فرار روستاییان و جابجایی در کشور و حتی خروج از سرحدات، سبب می شد حکومت قاجاریه در برابر این رفتار رعایا بسیار آسیب پذیر باشد و توده نیز با درک ضعف حکومت در مواجهه با این وضعیت، از تهدید به فرار و رهاکردن زمین های کشاورزی به عنوان ابزاری موثر برای چانه زنی با قدرت بهره برد. نباید از یاد برد که فرار ایلات نیز حکومت را از یک سو از مالیات احشام بی بهره می کرد و از طرفی نیروی نظامی آن ها را از دسترس خارج می ساخت؛ وضعیتی که حکومت را به شدت نگران کرده، به واکنش سخت و می داشت.

به این ترتیب فرار روستاییان و ایلات برای واداشتن حکومت به پذیرش خواسته هایشان جایگاهی ویژه در رفتار و حیات سیاسی فرودستان در عصر قاجاریه داشته است.

در این پژوهش تلاش می‌کنیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: پدیده فرار رعایا در دوره قاجاریه از چه متغیرهایی متأثر بود؟ توده‌ها با بهره‌گیری از تهدید به فرار در چه موضوعاتی و با کدام یک از گروه‌های مسلط چانه‌زنی می‌کردند و واکنش حکومت به این تهدیدها چه بود؟

فرض ما این است که فرار توده‌ها تابع این عوامل بود: ارزش نیروی کار در کشور، آسانی کوچ و مهاجرت و اختلاف منافع حکام و ملاکان مبدأ و مقصد فرارها. هم‌چنین توده‌ها با تهدید به فرار و محروم کردن حکومت از نیروی کارشان تلاش می‌کردند بیش‌تر حوزة‌های روابط با حکومت را تحت تأثیر قرار دهند؛ از پرداخت مالیات تا سربازگیری، ایجاد امنیت، قضاوت، بهره‌برداری از منابع طبیعی، حمل‌و‌گلات و کار اجباری. در این میان حاکمان ولایات، نایب‌الحکومه شهرها، اربابان و ملاکان، شاهزادگان، ضباطان تیول، مباشران زمینهای خالصه، کدخداها، صاحب‌منصبان قشون و شخص شاه به‌چالش کشیده شده، با توسل به فرار تهدید شده‌اند.

در مقابل، حکام ولایات در حوزة دریافت مالیات، در برخی موارد در کوشش‌هایی ناموفق، تلاش می‌کردند مالیات فراریان را از افراد باقی‌مانده بگیرند و در بعضی موارد نیز سعی می‌کردند موافقت حکومت مرکزی را برای تعدیل مالیات‌ها جلب کرده، از فرار رعایا جلوگیری کنند.

روش پژوهش توصیفی-تبیینی با تکیه بر اسناد درجه اول بخصوص عریضه‌های رعایا به مجلس تحقیق مظالم در عصر ناصری است. ناصرالدین شاه شخصاً این عریضه‌ها را مطالعه کرده، در ذیل آن‌ها فرمان‌هایی را خطاب به حکام ولایات و سایر دیوان‌سالاران قاجاریه صادر کرده است. بیشتر عریضه‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ هجری قمری است. پیش از این، خانم ونسا مارتین در کتاب «عهد قاجار» به بهره‌گیری رعایا از فرار برای امتیازگیری از حکومت اشاره کرده است. ایشان از فرار مردم خارک در سال ۱۲۵۹ (مارتین، ۱۳۹۰: ۷۰) و مردم نیریز در سال ۱۳۱۲ هجری قمری (همان: ۹۵) یاد کرده است. خانم مارتین معتقد است این رفتار مردم «حرکتی ماهرانه بود تا تلویحاً به مقامات بفهمانند که دولتشان ظالم و غیر قانونی است» و در ادامه نیز تأکید می‌کند: «خروج آنها از جزیره، کشور را از وسیله امرار معاش و دولت را از عایدات محروم می‌ساخت» (همان: ۷۰). هم‌چنین در شرح فرار مردم نیریز، علت آن را درخواست پیشکش از طرف حاکم جدید

ذکر می‌کند. مردم به یزد و کرمان می‌گریزند و حاکم تغییر می‌کند (همان: ۹۵). اما نویسندگان فراتر از این اشارات کوتاه، به مسئله فرار رعایا نپرداخته و ابعاد مختلف آن را روشن نکرده است. خانم لمتون نیز در کتاب «مالک و زارع در ایران» به اشاره‌هایی کوتاه به جلای وطن رعایا بسنده کرده است. وی با نقل گزارشی از کردستان متعلق به ۱۲۹۶ هجری قمری از قول نویسنده آن می‌نویسد: «در این گونه موارد [تعدی حکام] مردم چاره‌ای ندارند جز آن که جلای وطن کنند» (لمتون، ۳۰۵: ۱۳۷۷). همچنین با ذکر گزارش مشابهی از خوزستان به همین مضمون اشاره می‌کند (همان: ۳۱۸). اما از ظرفیت فرارها برای چانه‌زنی با حکومت که موضوع بحث ماست سخنی نگفته است.

۲. سلاح رعایا در چانه‌زنی با حکومتی که اصلی‌ترین منبع درآمدش مالیات ارضی بود

در بسیاری از عریضه‌هایی که به شاه درباره فرار روستاییان هشدار داده شده، در کنار عباراتی همچون «جلای وطن»، «تفرقه شدن رعیت»، و «فرار» عباراتی نیز ناظر به متروک شدن زمین‌ها و از بین رفتن کشت و کار ذکر شده است (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹: دست نوشته‌های ناصرالدین شاه) که گواه آن است نویسندگان عریضه‌ها شاه را از کاهش زراعت و محصولات زراعی می‌ترسانده‌اند. مالیات ارضی منبع اصلی درآمد حکومت قاجاریه بود؛ به گونه‌ای که به عنوان مثال در سال ۱۳۰۶ هجری قمری ۹۱٪ از درآمدهای حکومت را شامل می‌شد (میرکیایی، ۱۳۹۴: ۱۶).

در چنین وضعیتی بدیهی است که حکام ولایات، اربابان، تیول‌داران و حکومت مرکزیاز این فرارها نگران و هراسناک شوند. کنت دوگوبینو (Joseph Arthur de Gobineau) پس از شرح فرایند گردآوری مالیات از روستاها و منافع که نصیب ممیزان مالیاتی و حکام ولایات و کمتر از همه دولت می‌شود تاکید می‌کند به خاطر در خطر افتادن این منافع، هیچ‌یک از این نخبگان حاکم تمایلی ندارند روستاییان به فرار اقدام کنند: اگر [مذاکرات روستاییان با ممیزان مالیاتی] شکست بخورد روستاییان به آخرین حربه خود متوسل می‌شوند که ترکده و فرار است. در این حالت مسافرتها شروع می‌شود [...] نتیجه این کار به طور قطع کاهش درآمد ایالت است، به نحوی که در وهله اول دولت و در

وهله بعد حاکم و بالاخره مامور وصول مالیات هیچ نفعی ندارند که کار را به این مرحله بکشاند (گوینو، ۱۳۶۷: ۳۸۱). ناظران دیگر نیز تاکید دارند که ممیزان مالیاتی تمام تلاش خود را می‌کردند تا روستاییان به فکر فرار و کوچ نیافتند: کوچ کردن بزرگ‌ترین حربه روستاییان است که در دفاع از خود در برابر مامورین حکومت به کار می‌برند. حربه‌ای است که همواره پیروزی می‌آورد. از این رو فرستادگان حکومت هیچ‌گاه نمی‌گذارند کار به آنجا بکشد (روش شوار، ۱۳۷۸: ۸۲). گزارش دیگری نیز به ضرر و زیان حکومت از مهاجرت رعایا اشاره دارد: اگر قرار باشد که پیوسته به دنبال ظلم و تعدی حکام، اینگونه مهاجرت‌ها صورت گیرد نتیجه کار آن خواهد بود که تغییرات و زیان‌های حاصل از کاهش درآمدهای دولتی پایان‌ناپذیر باشد؛ لاقلاً چنین است نحوه استدلال اقتصاددانان ایران (فریزر، ۱۳۶۴: ۳۷۷).

فرار فقط حربه روستاییان نبود بلکه ایلات نیز از آن بهره می‌بردند. تاکید شاه به بازگرداندن ایلاتی که به خارج از مرزها کوچیده اندنشان از نیاز فراوان حکومت به این بخش از جمعیت مولد کشور دارد، جمعیتی که در تامین نیروی نظامی حکومت هم نقش تعیین‌کننده ای داشت. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۶ هجری قمری در نامه‌ای به میرزا حسین خان سپهسالار می‌نویسد: حالا [ایل] جلالی رفته است. باید تاکید و سفارش در عودت آنها در کمال سختی از جانب دولت بشود و شل گرفته نشود (صفایی، ۱۳۵۴: ۱۳۲). پیش از این نیز سپهسالار در نامه‌ای به شاه از اجرای فرمان او مبنی بر بازگرداندن ایل شاهسون از قفقاز یاد کرده است (عباسی، ۱۳۷۲: ۸۸).

مادام دیولافوا (Jane Dieulafoy) در سفرش به ایران که در عصر ناصری رخ داده درباره خوزستان و فرار ایلات به خاطر مالیات سنگین می‌نویسد: مطالبه مالیات‌های سنگین و رشوه و مداخل مامورین دولتی بی اندازه از حد گذشته است [...] قبایل با گله‌های گوسفند خود به طرف کوهستان‌های صعب‌العبور فرار کرده و می‌کنند [...] نظر به این که قبایل فرار کرده و دهکده‌ها هم ویران و خالی از سکنه شده مالیات و دخلی در کار نیست (دیولافوا، ۱۳۸۱: ۷۸۳).

هراس حکومت مرکزی از فرار رعایا به خارج از کشور به اندازه‌ای بود که حکام ولایات و نایب‌الحکومه‌های شهرها تلاش می‌کردند آمار فراریان را از چشم حکومت دور نگه دارند یا آنها را بسیار کم جلوه دهند. در عریضه رعایای کرگانرود به

ناصرالدین شاه از ظلم نصرت الله خان تالشی، به تلاش او برای پنهان کردن فرار رعایا اشاره شده است: پارسال دویست خانوار از تعدی نصرت الله خان فراری شدند. عارض شدیم. گماشتگان حضرت والا آمده، در خانه نصرت الله خان سرگرم عیش و عشرت گردیده و بعد از استیفای حظ خویش، تصدیق نامه دادند که یک نفر فراری شده است و حال آنکه چهارصد خانوار رعیت کرگانرودی از تعدیات او به روسیه رفته اند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۰۵).

در گزارشی که مامور حکومت از خوزستان برای ناصرالدین شاه تهیه کرده افسوس از متواری شدن رعایای ایران به سرزمین های عثمانی به خوبی به چشم می خورد: اکنون عمده اهل شوشتر و دزفول در بلاد عثمانی پراکنده اند (نجم الدوله، ۱۳۴۲: ۲۶).

در این گزارش به روشنی تصریح شده آنچه موجب جذب اهالی خوزستان به مناطق تحت تسلط حکومت عثمانی شده مدارا و خوش رفتاری حکام عثمانی بوده است: این محل [العماره] چند سال قبل مرداب کثیفی بود جای ایل گاومیشی. عثمانی نقطه معتبری دید، مشغول آبادی آنجا شد. با مردم بنای خوش سلوکی و مدارا نهاد، رعایای متواری ایران به تدریج در آنجا جمع می آمدند، خاصه اهل دزفول که اقلاً هزار باب خانه در آنجا دارند (همان: ۲۶). بدیهی است که مخاطب (شاه) باید نتیجه بگیرد فرار رعیت ایرانی از بدسلوکی و عدم مدارای حکومت ایران با آنها بوده است. در همین گزارش بر آبادی و پیشرفت العماره با ورود مهاجران ایرانی تاکید شده که رشک مامور حکومت را برانگیخته است: حال اینجا شهر معتبری است و گمرک سهلی در آنجا قرار داده، لذا بیش تر اجناس و امتعه عربستان و خوزستان از غله و پشم و غیره از آن راه وارد شط العرب می شود. هکذا اجناس و امتعه خارجه از آن راه وارد ملک خوزستان می شود و هر سال منابع کلی عاید دولت عثمانی میشود (همان: ۲۷).

۳. آسانی و سهولت فرار رعایا

در گزارش های ناظران حوادث بر آسانی و سهولت فرار روستاییان تاکید شده است. کنت دوگوبینودر سفرنامه اش می نویسد: نظر به اینکه جاده و پلیس در ایران وجود ندارد و کوه ها همیشه در دسترس هستند هیچ شانسی وجود ندارد که دولت بتواند مالیات دهندگان متمرّد را از اجرای نقشه شان منصرف کند. این کار برای روستاییان به

هیچ‌وجه دردناک نیست. در ایران، زمین به خودی خود ارزشی ندارد؛ زیرا همه جا می‌توان آن را یافت و کافی است کسی در آن مستقر شود و به کشت و زرع بپردازد تا مالک آن شناخته شود. یک قطعه زمین بی آب و علف در ظرف چهار سال می‌تواند مبدل به باغی سبز و خرم شود. یک چهار دیواری خشت و گلی در آن می‌سازند و هشت یا ده تیر چوب سپیدار را با کاه و گل به عنوان سقف رویش کار می‌گذارند و در عرض هشت روز ساختمان خانه تمام می‌شود. در مورد اسباب کشتی (از روستاییان ثروت‌مند صحبت می‌کنم) دو-سه تخته فرش، چهار-پنج صندوق و مجری، کل اثاث منزل را تشکیل می‌دهد. مرد روستایی پولش را در شال کمرش می‌گذارد، زنش را سوار الاغ می‌کند و گاو یا اسبش اثاث را حمل می‌کند. هنگام شب عزیمت می‌کنند و صبح روز بعد هیچکس نمیداند به کدام طرف رفته اند (گوبینو، ۱۳۶۷: ۳۸۳).

این سهولت فرار و جابجایی، موجب پراکندگی اقوام ایرانی در بخش‌های مختلف این سرزمین می‌شد: برای اینکه بدانیم سکنه یک دهچگونه می‌توانند کوچ جمعی کنند کافی است ایران نوردی کنیم. در جنوب این سرزمین دهقان‌هایی می‌بینیم که از آذربایجان آمده‌اند و در کردستان کرمانی‌ها را که بیشترشان به انگیزه‌های ناچیز جلائی وطن کرده‌اند (روش شوار، ۱۳۷۸: ۸۱). گمان مبرید که این کوچ کردن به مردم ده گران آید یا دشوار باشد... [درباره آنچه به جا می‌گذارند غمی نمی‌خورند زیرا هر یک از کلبه‌های ده بیش از شصت تومان نمی‌ارزد] (روش شوار، ۱۳۷۸: ۸۰).

آمادگی برای فرار و نبودن قیود مادی بر پای روستاییان به اندازه‌ای بود که برخی از آن‌ها تنها به خاطر علاقه به خاکی که اجدادشان بر آن زیسته بودند فرار نمی‌کردند. هینریش بروگش (Karl Heinrich Brugesch)، سفیر پروس در عصر ناصرالدین شاه، از قول یک پیرمرد روستایی می‌نویسد: صاحب، ما در این ده بیست و یک‌خانوار هستیم که سالی چهل تومان باید مالیات بدهیم؛ ولی این مالیات را نداریم که بدهیم و اگر به خاطر علاقه به این آب و خاک نبود و دینی که به پدران و اجدادمان نداشتیم از اینجا پا به فرار می‌گذاشتیم (بروگش، ۱۳۶۷/ج ۲: ۲۸۴).

جیمز موریه (James Justinian Morier) هم در سفرنامه اش به فرار روستاییان و کاهش جمعیت یکی از روستاهای آباد آذربایجان بر اثر جریمه نامتناسب حکومت اشاره دارد: ده خاتون آباد، بیشتر مردمان بسیار داشته و چون به تازگی یکی از آنان جنایتی کرده و

عباس میرزا از همه شان جریمه‌های سنگین گرفته بیشتر مردم کوچ کرده اند (موریه، ۱۳۸۶/ج ۲: ۳۳۶).

جمعیت کشور به ویژه پس از قحطی های دوره ای در عصر ناصری کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته بود (میرکیایی، ۱۳۹۴: ۹۸). در سال ۱۳۰۴ هجری قمری، هربرت (Herbert)، کنسول انگلستان در کرمانشاه، درباره کمبود شدید نیروی کار می نویسد: جمعیت کاهش یافته است. به نظر می رسد بیش از یک سوم زمین هایی که در گذشته کشت می شد الان کشت نشود (سیف، ۱۳۸۷: ۱۵۹). این وضعیت بر ارزشمندی نیروی کار بیش از گذشته می افزود. در این شرایط، برخی ملاکان، رعایا را با قراردادهایی به کوچ به زمین های خود تشویق می کردند. چنان که در عریضه ای از بوشهر، گروهی از کشاورزان به ناصرالدین شاه می نویسند ملاکی به نام حاجی صباح با «نوشته معتبر و اطمینان خاطر» آن ها را که حدود چهل خانوار بوده اند از خاک اجدادی به بندر فو از توابع بوشهر آورده است (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۶۶).

ارزش فراوان نیروی کار همچنین سبب می شد برخی ملاکان به زور متوسل شده، رعایای اربابی را از چنگش بیرون کشیده، به املاک خود کوچ دهند؛ کاری که باعث تلف شدن محصولی می شد که دیگر رعیتی برای برداشت آن وجود نداشت. در عریضه فردی به نام علیرضا سلطان از همدان به ناصرالدین شاه آمده است: ده خرابه ای دارم، مسمی به فیض آباد. شفیع خان یاور و حسین خان سلطان به تحریک سلیمان خان، محض ادعای سیزده ساله، دویست نفر جمعیت فرستاده، گوسفند و غیره را چاپیده و برده اند، رعیت را کوچانده، نصف حاصل در صحرا، نصف در خرمن تلف شد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۶۹).

در چنین وضعیتی آشکار است که حکام ولایات، خوانین و ملاکان از رعیتی که به اختیار خود وارد املاک یا منطقه تحت حاکمیت آنها شده استقبال کنند و مقدمات سکونت، کار و ماندگاری آنها را فراهم آورند. ابوت (James Abbott)، دیپلمات انگلیسی در عصر ناصری، درباره استقبال حکومت گیلان از کسانی که به این ولایت کوچ کرده بودند می نویسد: حکومت از مهاجرانی که به آنها غریب می گفتند مالیات نمی گرفت و به شیوه های مختلف آنها را به ماندن در گیلان تشویق می کرد (سیف، ۱۳۸۷: ۸۹).

فرار رعایا؛ ابزار چانه‌زنی با قدرت در عصر قاجاریه ... (مهدی میرکیایی) ۲۷۵

کنت دوگوبینو هم می‌نویسد: بعضی از خانواده‌های روستایی دائماً در ایران در گردش هستند و محلی را به قصد محل دیگر ترک می‌کنند. آنان در همه جا از طرف ساکنان محل به خوبی مورد استقبال قرار می‌گیرند و به این بازوانی که برای کشت و زرع زمین‌های بسیار وسیع آماده‌اند خوش آمد می‌گویند (گوبینو، ۱۳۶۷: ۳۸۷).

روش شوار (Julien de Rochechouart) نیز تاکید می‌کند: کوچ کنندگان آسوده خاطرند که به هر ولایت روند هم مردم پذیرای آنها هستند و هم مأمورین حاکم (روش شوار، ۱۳۷۸: ۸۰).

فریزر هم در عصر فتحعلی شاه از فرار حدود هزار خانوار از خبوشان به بجنورد، سبزواری و دره گز می‌نویسد و تصریح می‌کند که از همه آنها در این مناطق استقبال شده، در روستاها جای گرفته و صاحب زمین شده‌اند (فریزر، ۱۳۶۴: ۳۷۷). او هم چنین اشاره می‌کند که برخی خان‌ها و اربابان دست به اغوای روستاییان زده، آنها را از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر می‌برند (همان: ۳۷۷).

۴. تهدید به فرار در حوزه‌های مختلف مناقشه با فرادستان

رعایا از حربه «تهدید به فرار» فقط برای تعدیل مالیات‌ها بهره نمی‌بردند، بلکه برای مجاب‌کردن حکومت به پذیرفتن انتظاراتشان در بسیاری از حوزه‌هایی که مواجهه‌ای با گروه‌های مسلط داشتند از این تهدید استفاده می‌کردند. جدولی که در پی می‌آید حاوی خلاصه برخی عرایض رعایا به ناصرالدین شاه است که در آنها تلاش کرده‌اند با «تهدید به فرار» حکومت را به پذیرفتن خواسته‌هایشان در موضوعات مختلف وادار کرده، گروه‌های فرادست را در بهره‌کشی از خود ناکام بگذارند.

شماره سند	نویسندگان عربی	موضوع	متشاکلی	ادبیات تهدید به فرار
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 105	رعایای سرابی از توابع نویسندگان	درخواست استمرار تیول	کدخدا	رعیت از فرط وحشت در مقام جلای وطن است
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 324	رعایای تولم گیلان	مالیات	حاکم گیلان	پنج سال قبل، از رعایای تولم پنجاه خانوار فراری و متواری شده اند. خانه های آنها خراب و توتستان ها منعدم و مزارع لم یزرع مانده است. این مشت رعیت را هم می خواهند به زور مشت به خاک خارجه فرستاده، از خاک و آب مالوف مهجور نمایند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 323	رعایای آرتیمان از توابع نویسندگان	مالیات	حاکم همدان	چون سرمای زمستان مانع فرار بود ناچار به عرض شد.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 088	رعایای کرمان	مالیات	شاه	البته این مملکت پادشاه اسلام پناه رعیت می خواهد. اگر این مشت رعیت هم پراکنده و معدوم شوند به کلی مملکت از حلیه آبادی می افتد.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 129	اهالی قزوین	مالیات	حاکم قزوین	اگر امسال هم مثل پارسال دست تعدی دراز باشد پای اقامت فقرا از جا رفته، جلای وطن خواهیم نمود.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 142	رعایای قریه سیدجلال الدین از توابع رشت	مالیات	حاکم گیلان	چنانچه جمعی بر قریه بسته شود البته شکسته خواهد شد و احدی قادر بر سکونت و اقامت نیست.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹	رعایای قریه میش از توابع ملایر	مالیات	ممیز مالیات	از تعدیات حکومت و زیادی مالیات فراری شده ایم.

فرار رعایا؛ ابزار چانه‌زنی با قدرت در عصر قاجاریه ... (مهدی میرکیایی) ۲۷۷

سند شماره 176				
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 246	رعایای نردین از توابع شاهرود	مالیات	نایب الحکومه شاهرود	یا امر و مقرر فرمایند که ما را از این باب معاف دارند یا مرخص نمایند که با یک مشت فقرای بیچاره پراکنده شده، در میان ترکمان رفته، تحصیل قوت لایموتی نماییم.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 157	رعایای روستای کهرکان ملایر	مالیات	حاکم همدان	از زیادی مالیات و قطع تخفیف، رعایا متفرق شده اند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 168	رعایای کماساد از توابع ملایر	عدم امنیت	شاهزاده صارم الدوله	باباخان [از سارقان ملایر] غالباً از خاک عراق به خاک ملایر آمده، دستبرد می زند... [تمام رعیت متفرق شده اند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 152	رعایای سنگسر	عدم امنیت	نایب الحکومه سنگسر	به خاک پای همایون روح العالمین فداه قسم اگر گوسفندان [سرقت شده] اما نرسد پریشان و متفرق خواهیم شد.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 091	رعایای کرگان رود	جریمه	نصرت الله خان تالش	ناچار عیال خود را برداشته، برهنه و گرسنه الان در لنکران [روسیه] تکدی می کنیم.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 176	رعایای قریه میش از توابع ملایر	جریمه	نایب الحکومه ملایر	از تعدیات حکومت فراری شده، استدعا داریم محض دعاگویی وجود همایون، در حق جان نثاران رحمتی شود که بتوانیم رعیتی و فقیری نماییم.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 081	رعایای شاندرمن	مالیات	حاکم گیلان	سایه عدل و مایه تعدیل را مستدام و مستمر فرمایند والا همه اهالی شاندرمن فراری و تباه خواهند شد.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه	رعایای کرگان رود	ظلم و تعدی	نصرت الله خان	حکم مبارک شرف صدور یافت که [نصرت الله خان] عیال و اموالمان

تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 249	تالش	تلاشی	را رد کند و ما را آسوده گذارد [...] اجرای حکم مبارک را نمی کنند. استدعای حکم نافذ است یا مرخص فرموده، جلای وطن نماییم.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 198	رعایای قریه سال از توابع خلخال	ظلم و تعدی	یا رفع ظلم از سر جان نثاران بفرمایند یا اذن مرخصی رعایا را داده، هر کدام دست ناموس خود را گرفته، به سمتی فراری شویم.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره 174	رعایای کمازان از توابع ملایر	مالیات	یا رفع ظلم بفرمایید یا مقرر شود عیال ما را به دستمان بدهند در خارج وطن عملگی کرده، گذران نماییم.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۳۲۴	رعایای قریه ونق از توابع خمسه	جریمه	در چهارماه که مباشری کرد نصف رعیت فراری و تفرقه شدند
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۷۵	شیخ رضای عابد از ساکنان نهاوند	منع حمل غلات به نهاوند	نایب الحکومه خرم آباد قدغن کرده است ماکولات آنجا را به نهاوند نیاورند و در این صورت اسباب خرابی ولایت و زحمت رعیت خواهد بود و جلای وطن خواهند نمود.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۲۹۵	رعایای تاسندی از توابع ملایر	جریمه	نه قادر نان شب و نه توانای فراریم
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۲۵۳	رعایای تویسرکان و سرکان	تعدی	جمعی از مکاید شر او جلای وطن اختیار کردند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۱۸۲	علی خان، ساکن نهاوند	بیگاری	جهت عملی بیگاری و نهرکندن دهات خالصه حواله گراف می کنند و طوری سخت گرفتند که چند نفر رعیت بودند متفرق شدند.

فرار رعایا؛ ابزار چانه‌زنی با قدرت در عصر قاجاریه ... (مهدی میرکیایی) ۲۷۹

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۲۰۴	میرزا نصیر، ساکن ساری	تعدی	ضباط تیول	همه ساله از ضباط تیول مزبور تعدیات و تصرفات بی اعتدالانه می شود. زارعین را متفرق و داعی را متضرر می سازند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۱۲۹	ساکنان قزوین	تعدی	معین السلطنه، حاکم قزوین	اگر امسال هم مثل پارسال دست تعدی او دراز باشد پای اقامت فقرا از جا رفته، جلای وطن خواهیم نمود.

شماره سند	نویسندگان عریضه	موضوع	متشاکی	ادبیات تهدیدیه فرار
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۱۸۲	رعایای چاهک و مهره زمین از توابع عراق عجم	سربازگیری	حاجی اسحاق خان سرتیپ	تخفیف مرحمتی [در باب سربازگیری] را مطالبه ننمایند والا رعیت بیچاره یکباره پراکنده خواهند شد.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۱۷۶	رعایای گیلان	برداشت از منابع طبیعی (جنگل‌ها)	شاه	در باب جنگل و استقرار [دریافت] عشر از چ. ب. های قریبه و بعیده سابقا عرض شه بود که چنانچه این امر مستمر ماند اسباب تفرقه و هلاک رعیت و خرابی ولایت است.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۱۳۱	رعایای کرگان رود تاش	تعدی	نصرت الله خان تالشی	جمعی اشرار به حکم او به میان رعیت ریخته، چند نفر مسلمانان را مثل مقصرین حبشه و زنگبار به زنجیر کشیده اند. [چند خانوار در بلاد خارجه به تکدی مشغول اند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۰۶۰	رعایای کرگان رود تالش	جریمه	نصرت الله خان تالشی	دست تعدی او بر سر رعیت فقیر دراز گشته، از پانصد الی هشتصد [نفر] جریمه گرفته، چند نفر در کند و زنجیر مردند و بعضی دست از وطن کشیده، مایملک خود را گذاشته به خاک روسیه رفتند.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹	رعایای نظرآباد علیا، خالصه ساوجبلاغ	اجاره داری غیر منصفانه		استدعای رفع این اجاره داری است که ناچار جلای وطن نشویم.

۲۸۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

سند شماره ۰۸۸	خالصه		
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۴۵	رعایای کرمان و بلوچستان	تعدی	میرزا عبدالحسین خان فرمانفرما
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۷۳	رعایای لاهیجان	تعدی	فیض الله خان نایب الحکومه
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹ سند شماره ۳۲۰	سادات پیرمحلّه و چنارین از توابع رانکوه	ظلم و تعدی	میرزا موسی خان منجم باشی حاکم گیلان
			بسیاری از مردم را غایت ظلم و نهایت بی حسابی کارگزاران دیوان به جلای وطن انداخته.
			رعیت از ظلم این حاکم همه فراری و بی استطاعت شده اند.
			جمعی از سادات متواری شده اند، این معدود هم که هستند از دست می روند.

همان‌طور که در جدول مشخص است توده‌ها افزون بر تلاش برای تعدیل مالیات‌ها، در بسیاری از حوزه‌های دیگر روابط با حکومت همچون بیگاری، جریمه‌های حکام، حمل‌ولات به ولایات، عدم امنیت، روابط با تیولداران، سربازگیری، برداشت از منابع طبیعی و نیز خشونت، ظلم و تعدی حکام سعی می‌کردند از چنین تهدیدی برای کاستن از استثمار و جلوگیری از غضب دسترنج‌شان استفاده کنند. همچنین از تهدید به فرار جهت به‌زاندراوردن پیوستار متنوعی از نخبگان حاکم استفاده شده است. این طیف، گروه‌های حاکم را از کدخدای ده، ضباط تیول، صاحب منصب قشون، مباشر املاک خالصه، شاهزادگان، حاکم ولایت، نایب‌الحکومه‌های شهرها، ممیز مالیاتی، خان‌ها و ملاکان بزرگ تا شخص شاه در بر می‌گیرد.

۵. فرار موقت

همه فرارهای رعیت دائمی نبود و گاهی به صورت موقت و برای مدت کوتاه خانمان و روستای خود را ترک می‌کردند تا بتوانند پس از تغییر شرایط به خانه‌های خود بازگردند. این تغییر شرایط یا مربوط به دگرگون شدن تصمیم‌ها و فرمان‌های حکومت بود یا مربوط به سپری شدن وضعیت‌هایی همچون گذر اردوهای حکومتی و یا تن‌زدن از پذیرایی از میهمان‌های خارجی دولت. این اقامت موقت غالباً به این معنا بود که اگر فرمان حکومت تغییر نکند فرار موقت به فرار دائم تبدیل خواهد شد و به روستاییان کمک می‌کرد برخلاف فرارهای دائم هم به اهدافشان برسند و هم از خاک اجدادی جدا نشوند.

برخی از فرارهای موقت هم با خروج از حوزه حکومتی یک حاکم و تظلم به حکومت مرکزی صورت می‌گرفت تا با فشار حکومت مرکزی مطالبات رعیت محقق شده، دوباره به مساکن خود بازگردند. این وضعیت در عریضه رعایای نطنز که در عصر ناصرالدین شاه از ظلم نایب‌الحکومه به کاشان گریخته و از آنجا به شاه عریضه نگار شده اند آشکار است: عریضه تظلمانه از تعدیات سرهنگ حاکم نموده بودند که جمعی از زیادتی‌تعدی، جلای وطن اختیار نموده، به کاشان آمده... [این قدر تعدی کرده که از عرض عاجزیم. من جمله یک نفر از رعایا را حکم کرد پایش را روغن و نفت مالیده، آتش زدند و نود تومان هم جریمه گرفت (کتاب‌خانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۴).

رعایای قریه سال از توابع خلخال هم در عریضه خود به ناصرالدین شاه از فرار موقت خود به قصد تظلم به دربار از تعدیات شاهزاده ابراهیم میرزا نوشته اند: شاهزاده ابراهیم میرزا، پسر مرحوم خلیل الله میرزا، شغل او تاخت و تاز و دزدی است. اختیار مال و عیال خود را نداریم. من جمله ششصد تومان مالیات دیوانی جان نثاران است. دو مقابل دریافت کرده. بعد از این تعدی، جار و جمعیت کشیده، اغنام و احشام قریه مزبوره را بالتمام برده. لاعلاج دست ناموس خود را گرفته، به سمت دارالمرز متواری و پناه برده ایم. چند خانواری که قادر بر فرار نبودند، آنها را گرفته، به ضرب چوب و شکنجه از دست پا انداخته. حضرت مستطاب اجل اکرم روحی فداه را قسم می دهیم به ولایت مطلقه علی ابن ابی طالب (ع) یا رفع ظلم از سر جان نثاران بفرمایند یا اذن مرخصی رعایا را داده، هر کدام دست ناموس خود را گرفته، به سمتی فراری شویم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۸).

هم چنین است گریز رعایای کمازان از توابع ملایر که از تعدی شاهزاده یحیی میرزا عریضه ای به شاه نوشته اند و تصریح می کنند اگر به دادخواهی آنها توجه نشود این فرار موقت را به جلای وطن و گریز دائمی تبدیل خواهند کرد: از تعدی یحیی میرزا به ستوه آمده، به بست رفته بودیم و عریضه نگار شدیم. [...] ماها فرارا به عراق آمده ایم و عیال و اطفالمان در آتش ظلم و عدوان معذب می باشند [...] یا رفع ظلم بفرمایید یا مقرر شود عیال ما را به دستمان بدهند، در خارج وطن عملگی کرده، گذران کنیم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۴).

جیمز ویلز (Charles James Wills) هم در عصر ناصری از فرار موقت ساکنان یکی از روستاهای اصفهان به کوه های اطراف و واسطه کردن او و همسفرانش برای چانه زنی بر سر کاستن از مالیات ها با حکومت نوشته است: معلوم شد که آنها دزد نیستند بلکه گروه کثیری از اهالی یکی از روستاهای اصفهان هستند که از شدت جور و فشار عوامل حکومتی و مامورین وصول مالیات، چون قدرت پرداخت چنین مالیاتی را نداشته اند منزل و زمین زراعی خود را رها کرده و به کوه های اطراف پراکنده و آواره شده اند. قصد فعلی آنها از آمدن به طرف کاروان، التماس رساندن شکایت و درخواست شان به جناب حاکم و واسطه شدن ما به منظور تخفیف مالیات بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۷۶).

هم‌چنین در بعضی موارد مردم می‌توانستند با توسل به فرار موقت، امر «قضاوت» را که یکی از مهم‌ترین بخش‌های روابط‌شان با حکومت بود تحت تاثیر قرار دهند؛ چنان‌که «روش شوار» ماجرای فرار موقت ساکنان روستای یزدخواست را در اعتراض به قضاوت حاکم فارس نقل می‌کند. مردم یزدخواست با ترساندن حکومت فارس از ترک ده در فصل برداشت محصول، حاکم را مجبور می‌کنند در اختلافی که با یک تاجر اصفهانی داشته‌اند رأیی را که مطلوب آنها بوده است صادر کند (روش شوار، ۱۳۸۷: ۸۰).

رعایای قریه‌میش از توابع ملایر نیز به شاه یادآور می‌شوند که ناعدلانه بودن مالیات‌ها آن‌ها را وادار کرده تا همواره گزینه «فرار» را اختیار کرده، در زمان نوشتن عریضه هم از ده‌گریخته‌اند: از زیادتی مالیات و عدم بضاعت، همیشه فراری هستیم. [...] از تعدیات حکومت و زیادی مالیات، فراری شده، استدعا داریم محض دعاگویی وجود همایون، در حق جان‌نثاران رحمتی شود که بتوانیم رعیتی و فقیری نمایم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۶).

در بعضی موارد نیز ممکن بود رعایا موقتاً به املاک رجل ذی‌نفوذی گریخته، در پناه او از حکومت مرکزی دادخواهی کرده، منتظر تغییر وضعیت بمانند. مانند ساکنان قریه رسکت مازندران که از تعدیات سهام‌الدوله به روستاهای تحت مالکیت میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان رفته، از آنجا عریضه نگار شده‌اند: محصول ما را سهام‌الدوله وجه تقدیم خاک پای مبارک قراردادده‌اند و کارکنان سرتیپ را بر ما گماشتند. به حدی در اخذ محصول تشدد و بی‌حسابی کردند که این بیچارگان را از حالت رعیتی انداختند. در هر بار رسومات مأخوذ داشته و نوبت ثانی، مأخوذ اول را به حساب نمی‌آوردند. از هرکس بیست-سی تومان در سه ماهه گرفتند. همه را قرض کرده، تسلیم نمودیم. بالاخره فرار را برقرار اختیار کردیم و به دهات سوادکوه رفتیم و پناه به قرای جناب امین‌السلطان بردیم. زن‌های ما را بعضی به فلک بسته، چوب زدند و پاره‌ای را بر سر یخ نشانده، پول گرفتند. از مس و فرش و نقد و جنس هرچه داشتیم بردند. استدعا آن‌که ما را از شکنجه ظلم خلاص فرمایند و احقاق حق فرمایند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۶).

۶. واکنش ناکام حکام ولایات

حکام ولایات در واکنش به فرار رعایا در بسیاری موارد تلاش می کردند مالیات آنها را از رعایای باقیمانده بگیرند که همین امر نیز بر ناخرسندی و شکایت رعیت می افزود. در عریضه محمد کاظم خان از طایفه عروقی نیشابور به این نکته اشاره شده است: پارسال قریب پنجاه خانه وار [از طایفه عروقی] به عشق آباد رفته و مالیات آنها به گردن سایر رعیت بیچاره افتاده (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۱).

نایب الحکومه ملایر نیز تلاش کرده مالیات فراریان قریه کهکران را از باقیمانده ها بگیرد که با شکایت و عریضه آنها به شاه مواجه شده است: از زیادی مالیات و قطع تخفیف، رعایا متفرق شده، مالیات گردن بیست سی نفر فقرا مانده است (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۷).

این کار نه تنها مشکل حاکم را حل نمی کرد بلکه امکان پراکنده شدن جمعیت باقی مانده را هم زیاد می کرد؛ چنانکه در عرایض باقی ماندگان در روستاها این تهدید تکرار شده و شاه نیز در فرمان ذیل عریضه با آنها همراهی نشان داده است. در عریضه رعایای بادلیه چهاردانگه هزار جریب مازندران، کسانی که در روستا مانده اند تهدید کرده اند که اگر سرباز و مالیات گریختگان را از آنها طلب کنند آنها هم متفرق خواهند شد و شاه نیز هم سو با شکایت آنها خطاب به حاکم ولایت نوشته است: حاکم مالیات هر کس را باید از خودش بگیرد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۱۷).

طایفه اسکندری هراتی ترشیز نیز در عریضه به شاه از اجبار آصف الدوله، حاکم خراسان، برای دریافت استخوان پولی (مالیاتی که از افرادی گرفته می شد که جدشان در گذشته بود) فراریان از ساکنان باقی مانده شکایت کرده اند و شاه هم در تایید شکایت آنها نوشته است: آصف الدوله قرار عادلانه دهد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۴۳).

ممیزی مجدد مزارع و روستاها بعد از فرار روستاییان و ساقط شدن روستاها از حیز انتفاع و استناد روستاییان به این ممیزی های جدید نشان می دهد که تلاش حکام ولایات برای گرفتن مالیات از باقی ماندگان در روستاها معمولاً با موفقیت همراه نبوده است. چنان که

کشاورزان کهکراں ملایر تخفیفی را از شاه طلب می‌کنند که پس از ممیزی مجدد ده برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود. این ممیزی پس از متفرق شدن سایر رعایا و ویرانی روستا انجام شده بود: از زیادی مالیات و قطع تخفیف، رعایا متفرق شده و مالیات گردن بیست-سی نفر فقرا مانده. نواب والا فرمانفرما و سایر حکام و مستوفیان تصدیق خرابی ده را داده و چند مرتبه دستخط مبارک شرف صدور یافت. آخر الامر استدعای ممیزی نمودیم. به موجب فرمان مبارک، ممیز سرخط داده که ده مخروبه است. آسودگی رعیت این است که علاوه از حشو جمع، موضوع شود. بعد از ممیزی، دستخط مبارک خطاب به جناب جلالت مآب آقا [میرزا یوسف خان مستوفی الممالک] صادر شد و جناب معظم له از قرار ممیزی تصدیق بر خرابی ده نمودند. استدعا آن است که مقرر شود به سرخط و فرمان و دستخط مبارک رسیدگی نمایند. تخفیف دعاگویان در دستور العمل منظور شود (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۷).

این ممیزی مجدد روستاهایی که پس از فرار گروهی از رعیت، بهره‌وری سابق خود را از دست داده اند، افزون بر مالیات ارضی، در سربازگیری هم انجام می‌شد و حکومت ولایت را که تصمیم داشت باقیمانده ساکنان را وادارد سربازانی را به همان تعداد گذشته اعزام کنند ناکام می‌گذاشت؛ چنان که رعایای چاهک و مهره زمین از توابع عراق در عریضه به شاه از تخفیف در تعداد سربازان روستا پس از پراکنده شدن رعیت می‌نویسند: مأخذ نفری فوج خلج که در هشتصد نفر بود، بیست نفر موافق حساب، به ما فقرا می‌رسید. بعد از سال مجاعه که رعیت متفرق شدند دویست نفر به تخفیف مرحمت شد که پنج نفر از قرار ربع، حق و سهم این فقرا می‌شد. حاجی اسحاق خان سرتیپ، محض غرض، دو نفر زیاد تخفیف نداد و حالا مجدداً محصل بر این ضعفا گماشته، آن دو نفر را مطالبه می‌کنند [...] استدعا آنکه مقرر شود تخفیف مرحمتی را مطالبه نمایند تا به فراغت مشغول رعیتی و دعاگویی باشند والا رعیت بیچاره یکباره پراکنده خواهد شد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۲).

در چنین شرایطی برخی حکام ولایات تلاش می‌کردند نظر حکومت مرکزی را برای تعدیل مالیات‌ها جلب کنند تا روستاییان از اندیشه فرار منصرف شوند. سلطان مراد میرزا حسام السلطنه، حاکم فارس، به فرخ خان امین الدوله می‌نویسد: این بنده عاجز از

دریافت حقوق دیوانی نیست. لکن نوعی خواهد شد که اهالی این حدود جلای وطن اختیار و فرار برقرار و مفارقت اهل دیار می نمایند (اصفهانیان، ۱۳۵۴/ج ۳: ۳۲۲).

۷. نتیجه گیری

رعایا در عصر قاجاریه برای رویارویی با فرادستان و نخبگان حاکم از ابزارهای چانه زنی بی بهره نبودند. آنها از فرار یا تهدید به آن به عنوان سلاحی برای مواجهه با گروه های مسلط استفاده می کردند. فرار رعایا مزارع را به زمین های بایر تبدیل می کرد و به صورت مستقیم بر درآمدهای مالیاتی حکومت تاثیر می گذاشت و یا حکومت را از نیروی نظامی یا تولیدات ایلات محروم می کرد. کمبود نیروی کار باعث می شد اربابان، تیولداران، مباشران زمین های خالصه، حاکمان ولایات و دربار قاجاریه این تهدیدها را جدی بگیرند و تا جایی که امکان داشت از وقوع آن پیشگیری کنند. اموال و دارایی اندک روستاییان به آسانی قابل جابه جایی بود و از سوئی با ورود به مناطق جدید، هم ملاکان و هم حاکمان ولایات از این نیروی کار جدید استقبال می کردند. به این ترتیب در فرار روستاییان، بین ملاکان و حکام ولایات مبدأ و مقصد فرارها تعارض منافع وجود داشت که این اختلاف به نفع فراریان تمام می شد. آن گونه که از عریضه های ارسالی به مجلس تحقیق مظالم و برخی گزارش های ناظران پیداست رعایا با تهدید به فرار تقریباً در تمام موضوعاتی که در روابط آنها با حکومت مطرح بود چانه زنی می کردند و به دنبال امتیازگیری بودند؛ از سربازگیری و بهره برداری از منابع طبیعی گرفته تا نامنی و قضا و جریمه و بیگاری و مالیات. ایشان هم چنین با هراساندن حکومت از فرار تلاش می کردند پیوستار وسیعی از نخبگان حاکم از شاه گرفته تا صاحب منصبان قشون و نایب الحکومه های شهرها و حکام ولایات و مباشران زمین های خالصه و ضباطان تیول و شاهزادگان و ممیزان مالیاتی را به چالش بکشند. در این میان فرار ایلات به آن سوی سرحدات، شخص شاه را که بر نیروی نظامی آنها در مواقع ضرورت حساب می کرد، مشوش و سخت نگران می کرد. گاهی نیز رعایا به فرار موقت اقدام می کردند و با تهدید حکومت که ممکن است این فرار به فراری دائمی تبدیل شود حکام را به پذیرفتن مطالباتشان وادار می کردند. برخی از حکام برای انصراف رعایا از فرار تلاش می کردند درخواست های آنها را اجابت کنند و برخی نیز سعی می کردند مالیات گریختگان را از ساکنان باقی مانده دریافت کنند که این تصمیم با

دوگونه واکنش از سوی رعایا روبه رو می شد: یا آنها نیز حاکم را به فرار و جلای وطن تهدید می کردند و یا با عریضه نگاری به دربار و دادخواهی از حکومت مرکزی در صدد دفاع از حق خود برمی آمدند؛ عریضه‌هایی که در آنها نیز از تهدید به فرار فروگذار نمی کردند.

به این ترتیب در بسیاری موارد، توسل به فرار یا حتی سخن گفتن از آن، در روابط رعایا با فرادستان موثر می افتاد و بهره‌کشی گروه‌های مسلط را تعدیل می کرد و اجازه نمی داد رابطه رعایا و نخبگان حاکم به رابطه یک سویه استثمار مطلق فرودستان توسط فرادستان تبدیل شود.

کتاب‌نامه

- اصفهانیان، کریم و قدرت‌الله روشنی زعفرانلو (۱۳۵۴)، اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران
- بروگش، هایزیش کارل (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحب قران، ج ۲، ترجمه محمدحسین کردیچه، تهران: اطلاعات.
- دیولافوا، جین (۱۳۸۱)، سفرنامه ایران و کلمه، ترجمه فرهوشی، تهران: افراسیاب.
- روش شوار، ژولین دو (۱۳۷۸)، خاطرات سفر در ایران، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نی.
- سیف، احمد (۱۳۸۷)، قرن گم شده، تهران: نی.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۴)، برگ‌های تاریخ، تهران: توس.
- عباسی، محمدرضا (۱۳۷۲)، حکومت‌سایه‌ها: مکاتبات محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
- گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷)، سفرنامه کنت دو گوینو: سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: کتاب‌سرا.
- لمتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- موریه، جیمز جاستینین (۱۳۸۶)، سفرنامه موریه، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- میرکیایی، مهدی (۱۳۹۴)، نان و سیاست: تأثیر بحران‌های نان بر سیاست و اقتصاد عصر ناصری، تهران: علم.

نجم الدوله، میرزا عبدالغفار (۱۳۴۲)، *سفرنامه خوزستان*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، علمی.

ویلز، سی. جی. (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه‌ی غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال.

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۰۵

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۶۹

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۰۵

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۳۲۳

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۳۲۴

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۸۱

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۲۹

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۴۲

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۶

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۴۶

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۷

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۶۸

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۲

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۹۱

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۸۱

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۴۹

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۸

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۴

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۷۵

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۵۳

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۲

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۰۴

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۲

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۶

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۳۱

فرار رعایا؛ ابزار چانه‌زنی با قدرت در عصر قاجاریه ... (مهدی میرکیایی) ۲۸۹

- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۶۰
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۴۵
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۳
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۳۲۰
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۴
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۱
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۱۷
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۴۳